

The Structure of Managerial Interactions of Rulers through Analysis of the Content 53 Letter Nahj Al-Balaghah

Bahareh Oladqobad*
Fathiyeh Fattahizadeh**
Marzieh Mohasses***

Received: 22/05/2019

Accepted: 11/09/2019

Abstract

Drawing the structure managerial interactions of rulers through deep thought in the most important raised components in the amir al-muminin(AS) letter to malek ashtar, it is clearly expressive the epistemic depth of the alawi school. Choosing the managerial efficient pattern and setting politics development of justice domestic and foreign, they have doubled the necessity of organizing the present text. So in this research has been analyzed concepts this treaty by method thematic content analysis for qualities and descriptive. The utilization this method, gives result a comprehensive look to ruler's interactive indices, staff selection criterion and strategies for achieving macro targets. That is findings stating has focus the text of the letter on the internal policy and has been emphasis on the components like of justice, cultural reforms, economical organizing and government employee's purposive selection. Majesty amir (AS) recommendations as well it opens new horizons in the analysis the text of the letter in arena foreign policy with focus blame breaking the treaty. Types of governmental exposure have significant frequency in the form of interactively, punitive, educative, evaluation and incentive and provides an updated model in all arenas of management. Majesty amir (AS) recommendation to interaction, forgiveness, kindness, non-discrimination in interacting with people, people hoarders punishment and traitor brokers, also encourage worthy activists is featured in this thematic network.

Keywords: Content analysis, Type of government exposure, Nahj al-balaghah, Imam Ali(AS).

* MS in Quran and Hadith Sciences, University of Al-Zahra, Tehran, Iran. (Corresponding Author) bahareh.a.2019@gmail.com

** Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran. f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. m_mohases@sbu.ac.ir

ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان از رهگذر تحلیل محتوای نامه ۵۳ نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

بهاره اولادقباد*

فتحیه فتاحی زاده**

مرضیه محمص***

چکیده

ترسیم ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان از رهگذر تعمق در مهم‌ترین مؤلفه‌های مطرح در نامه امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر، به‌وضوح بیانگر ژرفای معرفتی مکتب علوی است. انتخاب الگوی کارآمد مدیریتی و تنظیم سیاست عدالت‌گستر داخلی و خارجی، ضرورت ساماندهی نوشتار حاضر را مضاعف کرده‌اند، لذا در این پژوهش با روش تحلیل محتوا و به‌صورت کیفی و توصیفی، مفاهیم این عهدنامه واکاوی شده است. بهره‌گیری از این روش، نگاه جامعی به شاخصه‌های تعاملی حاکمان، ضابطه‌های گزینش کارکنان و راهبردهای نیل بدین اهداف کلان را نتیجه می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که متن نامه بر سیاست داخلی تمرکز دارد و بر مؤلفه‌هایی همچون عدالت‌ورزی، اصلاحات فرهنگی، ساماندهی اقتصادی و گزینش هدف‌دار کارکنان دولتی تأکید شده است. توصیه‌های حضرت امیر(ع) در عرصه سیاست خارجی با محوریت نکوهش پیمان‌شکنی نیز افق‌های نوینی در تحلیل متن نامه می‌گشاید. گونه‌های مواجهه حکومتی در قالب تعاملی، تنبیهی، تربیتی، سنجشی و تشویقی بسامد قابل توجهی دارد و مدلی روزآمد در تمامی عرصه‌های مدیریتی ارائه می‌نماید. توصیه حضرت امیر(ع) به مدارا، بخشش، مهرورزی، عدم تبعیض در تعامل با مردم، تنبیه احتکارکنندگان و کارگزاران خیانت‌کار، همچنین دلگرم‌سازی فعالان شایسته، در این شبکه مضمونی برجسته شده است.

واژگان کلیدی

نهج‌البلاغه، امام علی(ع)، مدیریت، حکومت، سیاست، عدالت، روش تحلیل محتوا.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

b.vadood1992@gmail.com

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

M_mohases@sbu.ac.ir

** استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

*** استادیار دانشکده هیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

طرح مسئله

نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر بلندترین نامه‌ی نهج‌البلاغه است و از آنجایی که این نامه به‌عنوان یک فرمان حکومتی نگاشته شده است لذا شناخت هرچه عمیق‌تر و دقیق‌تر این نامه می‌تواند از جهات مختلفی حائز اهمیت باشد. در این نگاشته با استفاده از روش تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل این نامه پرداخته شده تا با تحلیل‌های کیفی و توصیفی به استخراج چارچوب مدیریتی عهدنامه و مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت‌داری از نگاه حضرت دست‌یابیم.

مدیریت به معنای به‌کارگیری مؤثر منابع مادی و انسانی از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده (رضاییان، ۱۳۷۹ش، ص ۸؛ پرهیزگار، ۱۳۸۲ش، ص ۳۷) تعریف شده است.

هرچند تاکنون تلاش‌هایی برای ارائه خوانشی اسلامی از حوزه‌های مدیریتی توسط محققان مختلف با رویکردهای متنوع صورت پذیرفته است، اما در این پژوهش، مدیریت کارآمد اسلامی به‌مثابه یکی از کلان موضوعات در سازمان‌های پیشرو که برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام صورت می‌گیرد و به افزایش سرمایه‌ها می‌انجامد، مورد توجه قرار گرفته است. از آنجایی که مجموعه‌های روایی و به‌طور خاص نهج‌البلاغه، مهم‌ترین و ژرف‌ترین منابع شیعی برای استنباط احکام و عرضه مسائل روزآمد در حوزه‌های گوناگون به شمار می‌آیند، با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا به این سؤال پاسخ داده می‌شود که ساختار تعاملات مدیریتی حاکمان در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه چگونه ترسیم شده است؟.

۱. معرفی روش تحلیل محتوا

تحلیل محتوا یکی از روش‌های شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات است، که با توجه به موضوع، شرایط و هدف هر تحقیقی، کاربردی خاص پیدا می‌کند، و تلاش دارد از طریق بررسی اسناد مکتوب متنی و غیرمتنی، به واکاوی ماهیت متن بپردازد (جانی پور، ۱۳۹۳ش، ص ۲۸) و در جستجوی آن چیزی است که در پس سخن قرار دارد و می‌خواهد آن را کشف و روی آن تکیه کند (باردن، ۱۳۷۵ش، ص ۴۶-۴۵). لورنس باردن تحلیل محتوا را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵ش، ص ۲۹).

تحلیل محتوا به دو روش تحلیل محتوای مبتنی بر کمیت و تحلیل محتوای مبتنی بر کیفیت (پنهان) تقسیم می‌شود. منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی کلیدواژگان، مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌هاست که راه را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازند. در تحلیل محتوای کمی پژوهشگر به مقوله‌هایی که فقط به نمادها و ترکیب‌های نمادی اشاره دارد توجه کرده و آن‌ها را انتخاب می‌کند. اما در تحلیل محتوای کیفی به خصوصیات دیگری غیر از نماد نیز توجه می‌شود. در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده است، تفسیر می‌شود. تحلیل کیفی به مثابه فنی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده است (هولستی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴). مرحله تحلیل نهایی و استخراج مقولات، چیزی جز اداره کردن اطلاعات منظم اخذ شده نخواهد بود. چه در مواردی که روش‌های به کار گرفته شده دستی باشند یا عمل به وسیله کامپیوتر انجام شود، ادامه جریان برنامه خودبه‌خود و پشت سر هم خواهد بود. این مرحله عبارت است از تحلیل محتوای توصیفی براساس تحلیل محتوای کمی داده‌ها (باردن، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۴).

تحلیل توصیفی، مرحله نهایی کار عملی تحقیق می‌باشد که پژوهشگر در آن به تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت ذهنی می‌پردازد و از این جهت که تمام نتایج تحقیق در این قسمت مشخص می‌شود از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. نتیجه‌گیری کاری انتزاعی و فکری، اما متکی بر تجزیه و تحلیل داده‌هاست و منطق و قدرت استدلال محقق جایگاه ویژه‌ای در آن دارد (عزتی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۹).

۲. اعتبارسنجی نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر

عهدنامه مالک اشتر از نظر منبع و سند و مهم‌تر از آن از نظر سبک‌شناسی و درون‌مایه‌های سخن، نمی‌تواند از کسی جز امیر مؤمنان (ع) صادر شده باشد (جعفری، ۱۳۸۱ش، ج ۴، ص ۴۹۰). از منابعی که قبل از سید رضی این عهدنامه در آنها روایت شده است، عبارت‌اند از:

«المجالسه و جواهر العلم» از دینوری مالکی (م ۳۳۳ ق) که بخشی از عهدنامه را نزدیک به آنچه در «تحف العقول» آمده نقل کرده با این عنوان که علی (ع) آن را برای یکی از اصحاب خود در شهری که مستقر بوده، نگاشته است (دینوری مالکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۵۹؛ محمودی، ۱۳۸۵ش، ج ۵، ص ۱۰۸). «تحف العقول» از ابن شعبه حرانی عالم قرن چهارم، که متن عهدنامه را با اختلافی اندک با نهج البلاغه و فزونی‌های بر آن روایت کرده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۴ق، ص ۹۹). «دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام» از قاضی نعمان (م ۳۶۳ق)، آن را نقل نموده و اختلاف این متن با عهدنامه مالک اشتر در نهج البلاغه به گونه‌ای

است که مشخص است شریف رضی متن خود را از این کتاب برنگرفته است (التمیمی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۳۶۸).

نیز از منابعی که بعد از سید رضی این عهدنامه را نقل نموده‌اند، عبارتند از: «السعاده و الاسعاد فی السیره الانسانیه». وی بخش‌هایی از عهدنامه مالک اشتر را به صورت پراکنده با عنوان «قال علی بن ابی طالب للأشتر» در کتاب خود آورده است، که با توجه به تفاوت متن نقل شده توسط وی با متن نهج‌البلاغه و تحف العقول، به نظر می‌رسد که ابوالحسن عامری از منبعی جز این دو بهره گرفته است (عامری نیسابوری، به انضمام مینوی، ۱۳۳۶ش، صص ۱۶۶، ۲۴۶، ۲۸۳-۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۸، ۳۱۴-۳۱۶، ۳۹۸، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۴۲).

«دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم من کلام امیر المومنین علی بن ابی طالب» از قضاعی (م ۴۵۴ق) که وی نیز بخشی از عهدنامه را نقل کرده است (قضاعی، ۱۳۳۲ق، صص ۱۴۸-۱۵۱)، «التذکره الحمدونیة فی السیاسة و الأداب الملکیة» از ابن حمدون (م ۵۶۲ق)، وی عهدنامه را مطابق آنچه در کتاب نهج‌البلاغه است آورده است (ابن حمدون، ۱۹۸۴م، ج ۱، صص ۳۰۹-۳۲۱)، «تاریخ مدینه دمشق» از ابن عساکر (م ۵۷۱ق)، وی بخشی از عهدنامه را که مطابق نقل ابوبکر دینوری است نقل کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۱۶)، «نهایه الأرب فی فنون الأدب» از نوبیری (م ۷۳۳ق)، وی متن کامل عهدنامه را با اختلافی اندک با نهج‌البلاغه آورده است و این نشان می‌دهد که آن را از نهج‌البلاغه نگرفته است (النوبیری، ۱۴۰۵ق، ج ۶، صص ۱۹-۳۲)، «البدایه و النهایه» از ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق)، وی بخشی از عهدنامه را مطابق آنچه ابن عساکر آورده نقل کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۷).

«صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء» از قلقشندی (م ۸۲۱ق)، وی بخشی از عهدنامه را با مختصر اختلافی با آنچه در نهج‌البلاغه آمده است نقل کرده است (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، صص ۱۰-۱۳)، «مآثر الإنایه فی معالم الخلاقه» وی همان بخشی را که در صبح الأعشی آورده، با مختصر اختلاف نقل کرده است. «کنز العمال فی أحادیث الأقوال و الأفعال» از متقی هندی، (م ۹۷۵ق)، وی به نقل از ابوبکر دینوری و ابن عساکر بخشی از عهدنامه را روایت کرده است (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۱۸۶).

۳. تحلیل محتوای کمی نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر

روش تحلیل محتوا به‌عنوان یک روش جدید در بررسی متون و زوایای مختلف یک اثر، دارای مؤلفه‌هایی است که یکی از این مؤلفه‌ها، تحلیل کمی است که با ترسیم دقیق آماری و نموداری ما را در یافتن پیام‌های آشکار و نهان در متون به تحلیل کیفی و توصیفی رهنمون می‌باشد. لذا

پژوهشگر باید به تمام مواردی که در متن به کار رفته توجه کند تا به تحلیل دقیق تری دست یابد.

با توجه به اینکه نامه‌ی حضرت علی(ع) به مالک اشتر پرمحتواترین و طولانی‌ترین فرمان حکومتی است که آیین کشورداری را به‌طور جامع و کامل ترسیم می‌نماید، لذا تصریح به مطالبی و تأکید مجدد بر آن و حتی استفاده از اصطلاحی خاص و تکرار آن بسیار حساس و مهم است. به همین منظور جدول با عنوان ترسیم فراوانی کلمات به کار رفته در نامه‌ی حضرت علی(ع) به مالک اشتر طراحی شده که ملاک در آن تصریح‌های بکار گرفته‌شده در متن است. هرچند در کلام ممکن است به موضوعی مکرراً اشاره شده باشد و ضمائر متعددی به آن کلمه ارجاع داده شوند اما تصریح بر یک لفظ و یک موضوع و ذکر آن از نظر اصول فصاحت و بلاغت از ارزش بالا و ویژه‌ای برخوردار است (جانی پور، ۱۳۹۰ش، ص ۹۴).

در این قسمت با توجه به حجم محدود مقاله به‌عنوان نمونه، تنها بخشی از جدول تحلیل محتوای نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر درج شده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: اولادقباد، ۱۳۹۶ش، تمام اثر).

جدول شماره ۱: تحلیل محتوای کمی نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر

کدگذاری	مضمون فرعی	مضمون اصلی	کلیدواژه	متن	ردیف
A-1	نامه با بسم الله الرحمن الرحيم شروع می‌شود.	دستورات حکومتی	امر، علی امیر المومنین، حکومت مصر	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَاهُ مِصْرَ	1
A-2	نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر در زمانی که ایشان را به حکومت مصر گماشت.				
A-3	اشاره به اداره کردن امور از جایگاه بندگی خداوند دارد.				
A-4	خضوع و خشوع مؤمنان هنگام حکومت و فرمانروایی				
A-5	اشاره به سلسله مراتب اداره امور هستی می‌کند.				
A-6	حکومت مؤمنان برای بندگی خداوند است نه برای خودکامگی				
A-7	حکومت و فرمانروایی مؤمنان در طول حکومت و فرمانروایی خداوند است.				
A-8					

	در فحوای کلام اشاره ی لطیفی است به مشروعیت الهی ولایت حضرت علی (ع)				
A-9	به امور اقتصادی و مالی می پردازد.	تبیین عملکرد اجرایی حاکم	خراج، جهاد، اصلاح، عمران	جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اِسْتِصْلَاحَ اَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا	2
A-10	تاکید بر ضرورت امور دفاعی و نظامی دارد.				
A-11	به اصلاح امور اجتماعی و فرهنگی جامعه اشاره می کند.				
A-12	عمران و آبادانی کشور اسلام را مدنظر دارد.				
A-13	امر به رعایت تقوای الهی می کند.	توصیه به مالک	تقوا	أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ	3
A-14	مقدم داشتن اطاعت از خداوند بر همه امور را بیان می کند.	توصیه به مالک	اطاعت	وَ اِئْتَارِ طَاعَتِهِ	4

۳-۱. سنجش فراوانی کلیدواژگان

پس از درج نامه در جدول تحلیل محتوا مجموعه ای از کلیدواژگان فرعی استخراج شده و سپس یکی از مهم ترین آن ها به عنوان کلیدواژه اصلی انتخاب و مورد شمارش قرار گرفته است. ملاک شمارش این کلمات ذکر صریح آن ها در متن بوده است.

جدول شماره ۲: فراوانی کلید واژگان نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر

ردیف	کلید واژگان اصلی	کلید واژگان فرعی	فراوانی	تکرار	تکرار	فراوانی	کلید واژگان اصلی	کلید واژگان فرعی	فراوانی	ردیف
1	جامعه اسلامی	مردم، رعیت، توده مردم، طبقات اجتماع، جامعه اسلامی	60	7	21.5	60	تقوا مبارزه با هوای نفس، ذخیره عمل صالح، عفو دنیا و آخرت	مباحث اخلاقی	4.3	12
2	حکومت	امرا، مور، والی، حکومت	51	8	18.2	51	رسول خدا (ص) است قطعیه پیامبر (ص)	پیامبر اسلام	4.3	12
3	وظایف حاکم	اصلاح رعایت عدل، حق، رسیدگی، گزینش	37	9	13.2	37	خراج، عمران	خراج	4.3	12
4			25	10	8.9	25	صلح و عهد و پیمان	صلح و عهد و پیمان	3.2	9

		صلح، پابندی به عهد و پیمان، عهد و پیمان، مذمت پیمان شکنی				وزراسپاهیان، کتاب، عمال، قضات، عیون	کارکنان دولتی	
2.5	7	اقامه فرائض، صلاح، دعا	مسائل عبادی	11	8.9	25	نام القاب اوصاف الهی	5
1.8	5	کتاب، آیات محکم، آیه قرآن	قرآن	12	7.1	20	اطاعت، دین، حق و باطل، مدارشایست الهی، شهادت	6
1.8	5	نام و لقب‌های حضرت	نام حضرت علی(ع)	13				

بر اساس جدول فوق و شمارش کلمات بکار رفته در نامه‌ی حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌توان این‌گونه برداشت نمود آنچه مورد تأکید حضرت بوده و در واقع به‌عنوان محور اصلی مطرح شده است، مسأله جامعه اسلامی و اقشار تشکیل‌دهنده حکومت است و با توجه به اینکه این نامه یک نامه حکومتی است و حضرت با توجه به جامعه اسلامی و تأکید بر اینکه توده مردم پایه و اساس حکومت هستند، می‌فرماید: «وَ إِمَّا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ»؛ ولی پایه‌ی دین و جمعیت مسلمانان و ذخیره‌ی دفاع از دشمنان تنها توده‌ی مردم هستند (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۷۱).

همچنین به معرفی طبقات اجتماع و نوع تقسیم‌بندی آنها اشاره کرده و جایگاه و مرتبه آنها در حکومت را بیان نموده و می‌فرماید: «وَ اعْلَمُ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَ لَا غَيْرُ بَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ مِنْهَا قَضَاةُ الْعَدْلِ وَ مِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَ الرِّفْقِ وَ مِنْهَا أَهْلُ الْحِرْيَةِ وَ الْحَرَجِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ وَ مِنْهَا التَّجَارُ وَ أَهْلُ الصِّنَاعَاتِ وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِينَةِ وَ كُلُّ قَدْ سَمِيَ اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ وَضِعَ عَلَى حِدِّهِ فَرِيضَةٌ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةٌ نَبِيِّهِ (ص) عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مُحْفُوظًا».

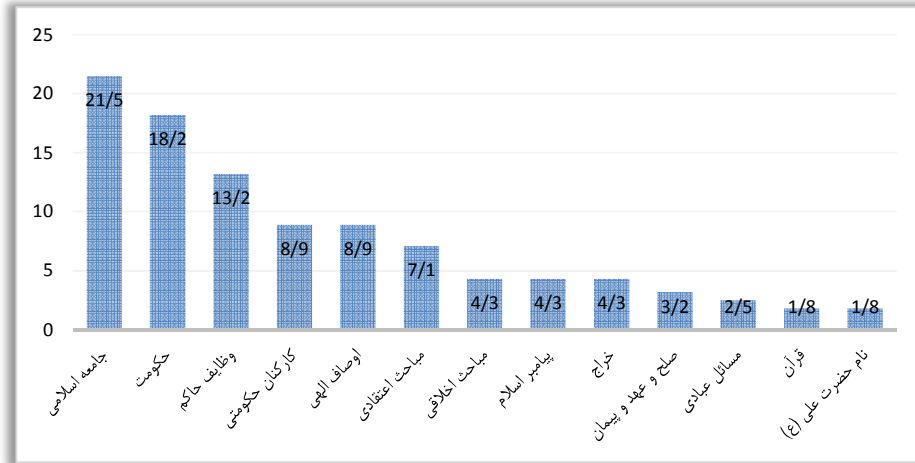
بدان! مردم از گروه‌های مختلف تشکیل یافته‌اند که هر کدام جز به وسیله‌ی دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شوند و هیچ‌کدام از دیگری بی‌نیاز نیستند. (این گروه‌ها عبارتند از: لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات عادل و دادگستر، عاملان انصاف و مدارایی، اهل جزیه و مالیات اعم از کسانی که در پناه اسلامند و یا مسلمانند و تجار و صنعتگران و بالاخره قشر پایین جامعه یعنی نیازمندان و مستمندان، برای هر کدام از این گروه‌ها خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا یا سنت پیامبر که به صورت عهد در نزد ما محفوظ است، این سهم را مشخص و معین ساخته است (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۷۵) که باید مورد رسیدگی و تفقد حاکم اسلامی واقع شوند.

در ادامه به معرفی صفات خواص و اطرافیان زیاده خواه پرداخته: «فَإِنَّ سُحْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنَّ سُحْطَ الْخَاصَّةِ يُعْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَوْوَنَةً فِي الرَّخَاءِ وَ أَقْلَ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبِلَاءِ وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ وَ أَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَ أَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ وَ أَبْطَأَ عُذْرًا عِنْدَ الْمَنَعِ وَ أضعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَّاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ»؛ چرا که خشم توده‌ی مردم، خشنودی خواص را بی اثر می‌سازد اما ناخشنودی خاصان با رضایت عموم، جبران پذیر است. احدی از رعایا از نظر هزینه‌ی زندگی درحالت صلح و آسایش بر والی سنگین‌تر و به هنگام بروز مشکلات در اعانت و همکاری کمتر و در اجرای انصاف ناراحت‌تر و به هنگام درخواست و سؤال پراصرارتر و پس از عطا و بخشش کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر و در ساعات رویارویی با مشکلات کم‌استقامت‌تر از گروه خواص نخواهد بود و آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد.

همچنین در مرحله دوم آنچه در نگاه حضرت حائز اهمیت می‌باشد تأکید حضرت بر مسأله حکومت و اوامر حکومتی و تبیین وظایف حاکم اسلامی است حضرت در این نامه با صدور اوامر و دستورات حکومتی که در ابتدای نامه نیز صریحاً بیان می‌نمایند: «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلِّاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ خِرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»؛ این دستوری است که بنده‌ی خدا علی امیرالمؤمنین به مالک بن حارث اشتر در فرمانش به او صادر فرموده است و این فرمان را هنگامی نوشت که وی را زمامدار و والی کشور مصر قرار داد تا مالیات‌های آن سرزمین را جمع‌آوری کند، با دشمنان آن کشور بجنگد، به اصلاح اهل آن همت گمارد و به عمران و آبادی شهرها، قصبات و روستاها و قریه‌های آن پردازد (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶۷).

سعی در تشکیل حکومت دینی و اسلامی در بلاد مصر دارند که در دولت‌های گذشته به این شکل اداره نمی‌شده است و به شکل مستعمره‌ای برای حکام جور بود که آن را به نام اسلام استعمار نموده بودند: «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِأَهْوَى وَ تُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا»؛ چرا که این دین اسیر دست اشرار و وسیله‌ی هوسرانی و دنیاطلبی گروهی بوده است (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۱) و در همین راستا به شرح و تبیین وظایف حاکم اسلامی می‌پردازند. نمودار ذیل بیانگر پربسامدترین و همچنین درصد هرکدام از کلید واژگان به کار رفته در نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر است.

نمودار ۱: فراوانی کلیدواژگان نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر



۳-۲. سنجش فراوانی موضوعات اصلی نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر

منظور از موضوعات اصلی همان جهت‌گیری‌های مطرح‌شده در نامه حضرت می‌باشد که موضوعات اصلی مطرح‌شده در نامه حضرت شمارش و دسته‌بندی‌شده و سپس در قالب جدول و نمودار ارائه می‌شود. انتخاب موضوعات اصلی تابع قواعد منتظم و مشخصی می‌باشد و در انتخاب این موضوعات باید به هدف تحلیل توجه داشت و مضامین باید به نحوی انتخاب شوند که بتوان در مراحل بعدی از نتایج آماری آن‌ها بیشترین بهره را برد. لذا مواردی که در اینجا ذکر می‌شود حاصل چندین بار بازنگری و اصلاح و همسان‌سازی عناوین هم مضمون است.

برای استخراج موضوعات اصلی مضمون اصلی جمله مدنظر بوده لذا ممکن است هر جمله علاوه بر موضوع مطرح‌شده حاوی مضامین دیگری نیز باشد که در مراحل بعدی استخراج مقوله‌ها بکار گرفته می‌شوند با توجه به جدول ذیل می‌توان به نتایج جالب و قابل توجهی دست‌یافت از جمله اینکه مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده و نقطه تمرکز در نامه‌ی حضرت علی (ع) خطاب به مالک شرح و تبیین وظایف حکومتی «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»؛ تا مالیات‌های آن سرزمین را جمع‌آوری کند، با دشمنان آن کشور بجنگد، به اصلاح اهل آن همّت گمارد و به عمران و آبادی شهرها، قصبات و روستاها و قریه‌های آن بپردازد.

در همین راستا حضرت بهترین راهکاری که برای اجرایی شدن این اوامر و هدایت مالک لازم دانسته‌اند در قالب:

الف) نصایح اخلاقی؛ «فَأَمَلِكُ هَوَاكَ وَ شَحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ»؛ زمام هوا و هوس خویش را در دست گیر و آنچه برایت حلال نیست نسبت به خود بخل روا دار، زیرا بخل نسبت به خویشتن این است که راه انصاف را در آنچه محبوب و مکروه توست پیش‌گیری (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶۹).

ب) نصایح سیاسی؛ «وَ أَكْثِرْ مُدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةَ الْحُكَمَاءِ فِي تَنْبِيهِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَثَرُ بِالْأَدَبِ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ»؛ با دانشمندان زیاد به گفتگو بنشین و با حکما و اندیشمندان نیز بسیار به بحث پرداز، این گفتگوها و بحث‌ها باید درباره‌ی اموری باشد که به‌وسیله‌ی آن وضع کشور را اصلاح می‌کنی و آنچه پیش از تو موجب قوام کار مردم بوده برقرار می‌گردد (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۷۵).

ج) نصایح اعتقادی؛ «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ»؛ و اگر در چیزی نزاع کردید آن را به خدا و رسولش بازگردانید (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۷۹).

د) نصایح عبادی فردی؛ «وَ اجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِبِ وَ أَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ وَ إِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَحَتْ فِيهَا النَّيَّةُ وَ سَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ»؛ باید بهترین اوقات و بهترین ساعات عمرت را برای خلوت با خدا قرار دهی! هرچند، اگر نیت خالص داشته باشی و امور رعایا روبه‌راه شود همه‌ی کارهای عبادت و برای خداست (آشتیانی، امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷).

ه) نصایح عبادی اجتماعی؛ «وَ إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ فَلَا تُكُونَنَّ مُقَرَّرًا وَ لَا مُضَيِّعًا» و هنگامی که به نماز جماعت برای مردم می‌ایستی باید نمازت نه نفرت آور و نه تضییع کننده باشد (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷) به راهنمایی و ارشاد ایشان در امر حکومت‌داری می‌پردازند.

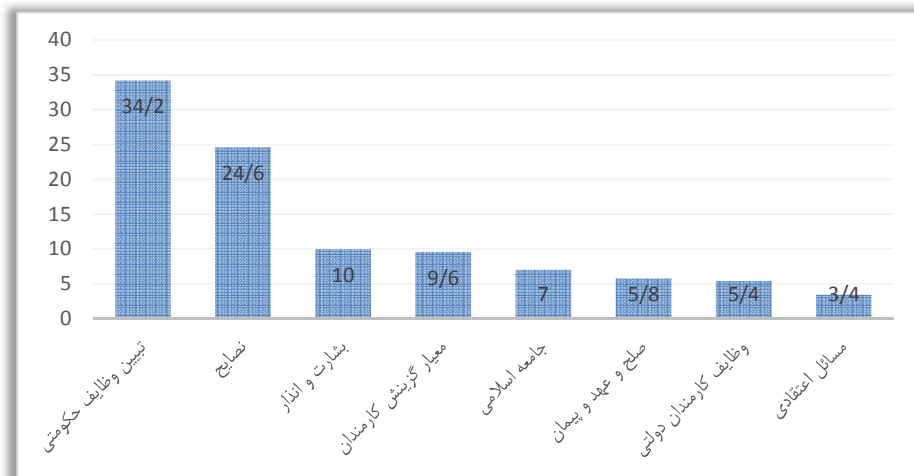
جدول شماره ۳: فراوانی موضوعات اصلی نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر

ردیف	جهت‌گیری	کلید واژگان موضوعات اصلی	کلید واژگان موضوعات اصلی	درصد فراوانی	درصد	فراوانی	درصد فراوانی
1	جهت‌گیری	دستورات حکومتی، تبیین عملکرد	معیار‌گزینش مشاوران، وزرا،	89	34.2	25	9.6

		فرماندهان لشکر، قضات، کارگزاران، دبیران حکومتی	معیار گزینش کارمندان				اجرائی حاکم، رعایت و اجرای حق و عدل، گزینش کارمندان دولتی	تبیین وظایف حکومتی	
5.4	14	وظایف سپاهیان، قضات، کارگزاران، دبیران، فرماندهان سپاه	وظایف کارکنان دولتی	6	24.6	64	نصیحت به مالک، توصیه به مالک	نصایح	2
7	18	جامعه مصر، مذمت خواص حکومتی	جامعه اسلامی	7	10	26	بشارت و انذار	بشارت و انذار	3
3.4	9	توصیف قرآن، توصیفات الهی، اطاعت، معاد	مسائل اعتقادی	8	5.8	15	صلح، پابندی به عهد و پیمان، مذمت پیمان شکنی، شرایط عهد و پیمان	صلح و عهد و پیمان	4

نمودار مربوط به فراوانی بیشترین و کمترین موضوعات اصلی مطرح شده در نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر و درصد آن‌ها در ذیل درج شده است.

نمودار ۲: فراوانی بیشترین موضوعات اصلی نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر



۴. سنجش فراوانی مقوله‌ها

در این قسمت با ذکر موضوعات فرعی مطرح شده در نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک سعی داریم به یک مقوله‌بندی از آنها دست‌یابیم که ما را در جهت ساخت مدل‌های نهایی هرکدام از این موضوعات رهنمون شود. از آنجاکه این مقولات با رویکرد مدل‌سازی استخراج شده براساس ویژگی‌ها و خصوصیات و ملاک‌های خاصی گردآوری شده‌اند.

همچنین لازم به ذکر است که در این قسمت تنها به ذکر مقوله نوع برخورد حکومتی حاکم پرداخته شده است چرا که این مبحث از مهم‌ترین مقوله‌های موردتوجه حضرت در نامه می‌باشد و از آنجایی‌که دارای بسامد قابل توجهی می‌باشد، می‌تواند مدلی روزآمد در تمامی عرصه‌های مدیریتی ارائه نماید.

۴-۱. مقوله نوع برخورد حکومتی حاکم از منظر حضرت علی (ع)

در این قسمت ابتدا متن نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر جهت دست‌یافتن به نتایج مناسب آن در رابطه با مقوله نحوه برخورد حکومتی حاکم مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله بعد با مطالعه و تأمل و تعمق، به استخراج این مضامین و سپس دسته‌بندی آنها در جایگاه مناسب خود پرداخته می‌شود. در راستای این دسته‌بندی‌ها، مقولات نهایی در رابطه با مسأله نحوه برخورد حکومتی حاکم از نگاه حضرت امیر(ع) در آن عهدنامه، مستند به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۴: مقوله نوع برخورد حکومتی حاکم در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر

ردیف	نقاط تمرکز	کد شناسه	مقوله‌ها	فراوانی
1	از افرادی که در جستجوی عیوب مردم و نمایاندن آنها بر تو هستند دوری گزین.	A-128	تنبیهی	20
2	امر به عدم تعجیل در تصدیق سخن چینیان می‌کند.	A-143		
3	سخن چینیان خائن و خیانتکار هستند.	A-144		
4	سخن چینیان در لباس خیرخواهان حرف خود را می‌زنند.	A-145		
5	بازرسان بر خیانت‌کار گزار شهادت داده و اجماع نمایند.	A-349, A-348, A-341, A-350		
6	کیفر و مجازات بدنی کارگزار خائن به تناسب و میزان جرم و خیانت باشد.	A-353, A-352, A-351		

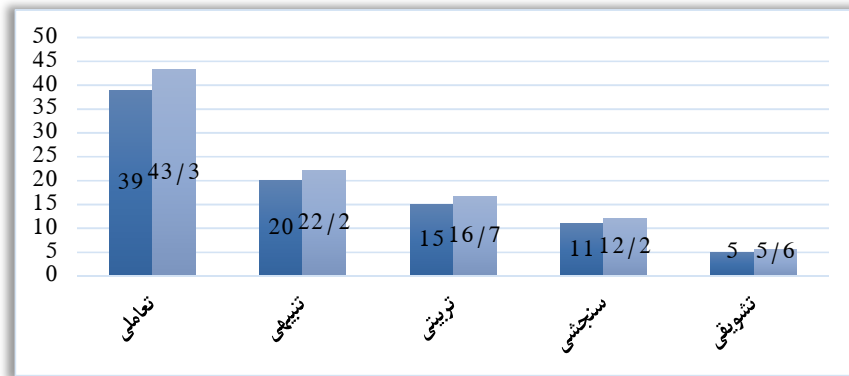
		A-452, A-451	بعد از اعلان عمومی نهی از احتکار، مرتکب آن را مجازات نما.	7
		A-546, A-545, A-544, A-548, 547	راه‌های که منجر به ستمگری و سوءاستفاده و برتری‌جویی خواص حکومتی می‌شود را ببند.	8
		A-629, A-628	کیفر و مجازات سنگین قتل عمد، قصاص می‌باشد.	9
5	تشویقی	A-277, A-276, A-275	برشمردن و ستودن کار شایسته‌ی افراد سرلوحه برنامه تو باشد.	10
		A-280, A-279	از فرماندهان بخاطر کوشش‌ها و خدماتشان قدردانی کن.	11
15	تربیتی	A-137, A-133, A-132, 138	پوشش عیوب مردم، توسط والی حکومت لازم است.	12
		A-134	اصلاح عیوب آشکار مردم و مبارزه با مفسد ظاهری برحاکم واجب است	13
		A-135	از تجسس وتفحص درباره عیوب پنهان مردم نهی می‌کند.	14
		A-173, A-172	نوع برخورد تو با آنها به‌گونه‌ای باشد که به چاپلوسی و تملق عادت نکنند.	15
		A-537, A-526, A-525	امر به لزوم ارتباط نزدیک والی با مردم می‌کند.	16
		A-560	روشنگری در حکومت موجب تربیت اخلاقی و ریاضت نفس تو و دفع سوءظن رعایا می‌گردد.	17
		A-618, A-610, A-609	امر به پرهیز شدید از ریختن خون به ناحق می‌کند.	18
11	سنجشی	A-181, A-180, A-176	نباید نیکوکاران و بدکاران در پیشگاه حاکم اسلامی مساوی باشند.	19
		A-177	از اصول مهم مدیریت، سنجش و ارزیابی صحیح است.	20
		A-187, A-186, A-185	معیار اعتماد حکام به رعایا حسن ظن و سوءظن به آنهاست.	21
		A-282, A-281, A-278, 283	معیار ارج‌گذاری میزان انجام کارها و خدمات فرد می‌باشد.	22

39	تعاملی	A-496 ، A-495،A-35 497	حاکم ملزم به تحمل هر شکل بیان نظرات و انتقادات از طرف مردم است.	23
		A-44 ، A-43،A-42	لازمه حکومت بر دل‌های مردم رحمت و محبت و لطف حاکم است.	24
		A-52 ، A-47 ، A-46،A-45 A-500 ،A-499 ،A-498	توصیه به مدارا و ملایمت با مردم در هنگام حکومت و فرمانروایی می‌کند.	25
		A-65 ، A-53 ، A-51،A-50 A-67 ،A-66	توصیه به عفو و صفح مردم در هنگام لغزش‌ها و گناهان عمدی و غیر عمدی می‌کند.	26
		A-140	با رفتار نیک و بزرگووارانه کینه‌های که در سینه‌های مردم نهفته شده را برطرف ساز.	27
		A-141	از کارهایی که موجب دشمنی و عداوت مردم نسبت به تو می‌شود دوری کن.	28
		A-142	جزئیاتی از کارهای مردم که بر تو روشن نیست توجه نکن.	29
		A-184 ، A-183،A-182	حسن ظن داشتن و محبت حکام به رعایا از واجبات حکومت کردن است.	30
		A-265	تأثیر محبت و مهربانی تو به فرمانده موجب نزدیکی قلب‌هایشان به همدیگر می‌شود.	31
		A-491 ، A-490،A-489 492	ملاقات با مردم بدور از هرگونه قدرت‌نمایی نیروهای انتظامی باشد.	32
		A-643 ، A-502،A-501	بخشش و جودت بی منت؛ تا برپذیرنده گوارا باشد.	33
		A-559 ،A-558	امر به روشنگری در دستگاه حکومت و فرمانروایی می‌کند.	34
		A-635 ، A-634،A-633	جبران قتل غیر عمد توسط شخص حاکم ضروری است.	35

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد بنابر تحلیل محتوای نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر در رابطه با موضوع نحوه برخورد حکومتی حاکم، مقوله‌های برخورد تعاملی، تنبیهی، تربیتی، سنجشی و تشویقی از مهم‌ترین مقولاتی هستند که در این نامه مطرح شده‌اند، به عبارت دیگر

نمودار فراوانی مقوله‌های مطرح شده در این نامه در رابطه با موضوع نحوه برخورد حکومتی حاکم به شرح ذیل می‌باشد:

نمودار ۳: فراوانی مقوله نوع برخورد حکومتی حاکم در نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر



در نهایت اینکه پس از دقت در مضامین آنچه حضرت علی(ع) در رابطه با مسأله نوع برخورد حکومتی حاکم مطرح کرده‌اند، می‌توان مدل منطقی بحث از موضوع نوع برخورد حکومتی حاکم در حکومت‌های خدامحور را از کلام حضرت استخراج نمود.

۴-۱-۱. برخورد تعاملی

ارکان حکومت بر دو پایه حاکم که در رأس امور و مردم که به‌عنوان افراد تشکیل‌دهنده حکومت می‌باشند استوار است. از دستورات حضرت علی(ع) در باب برخورد حاکم با مردم این‌گونه می‌توان استنباط نمود که در حکومت و ولایت الهی ایشان، نگاه به مردم به‌صورت سیستم ارباب و رعیتی نبوده «وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأُطَاعُ»؛ مگو من مأمورم، امر می‌کنم و باید اطاعت شود (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶۹)، بلکه بنای حضرت بر احترام و محبت نسبت به مردم بوده است.

حضرت، حاکم را تنها از این جهت بر مردم مسلط نموده‌اند که ایشان مجری اوامر و احکام و حدود الهی در جامعه می‌باشد. «فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ وَ وَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ وَ اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَائِكَ وَ قَدِ اسْتَكْفَاكَ أَمْرُهُمْ وَ ابْتَلَاكَ بِهِمْ»؛ زیرا تو مافوق آن‌ها و پیشوایت مافوق تو و خداوند مافوق کسی است که تو را زمامدار قرار داده است! امور آنان را به تو واگذار کرده و به‌وسیله‌ی آن‌ها تو را

آزمایش نموده است (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶۹). امام علی (ع) در این عهدنامه به مالک در مورد نحوه برخورد حکومتی با مردم توصیه‌هایی می‌نماید که مهم‌ترین آنها برخورد تعاملی با مردم بوده که بالاترین درصد را نیز به خود اختصاص داده است.

۴-۱-۱-۱. مدارا و ملایمت

حضرت علی (ع) در این بحث به مالک توصیه می‌نماید که همواره مدارا و ملایمت همراه با رأفت اسلامی را سرلوحه اعمال و رفتار خود با مردم قرار دهد و براساس اصل انسان‌دوستی و رحمت و مهرورزی با مردم با هر عقیده و اندیشه‌ای بدور از هرگونه تبعیضی رفتار نماید.

همچنین لازمه روابط و مناسبات حاکم با مردم را لطف و مهرورزی ایشان نسبت به مردم بیان نموده و اشاره دارند که پایه و اساس حکومت و فرمانروایی بر دل‌های مردم جز با ملایمت و مدارا و مهرورزی به دست نمی‌آید «وَ أَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَعْتَمِمْ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْسَنُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخُلُقِ»؛ قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری! زیرا آن‌ها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تواند یا انسان‌هایی همچون تو (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶۹).

در پایان حضرت به حکامی که با مردم با مدارا و ملایمت رفتار می‌نمایند بشارت رحمت و واسع‌الهی و ثواب و اجر اطاعت الهی را می‌دهد. «يَسْطُرُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَ يُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ»؛ که خداوند به واسطه‌ی این کار، رحمت و واسعش را بر تو گسترش خواهد داد و موجب ثواب اطاعت او برای تو خواهد شد. (آشتیانی-امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷) و مالک را بدان ترغیب می‌نماید.

۴-۱-۱-۲. عفو و بخشش

از لوازم حکومت و فرمانروایی حاکم بر مردم اصل عفو و بخشش می‌باشد و حضرت آن را از اصول اساسی در حکومت و مدیریت کشور دانسته و مالک را به سعه صدر و گذشت نسبت به مردم توصیه می‌نماید. «يَقْرُطُ مِنْهُمْ الرِّزْلُ وَ تَعْرُضُ لَهُمُ الْعِلَالُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطِيئِ فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ»؛ گاه از آن‌ها لغزش و خطا سر می‌زند. ناراحتی‌هایی به آنان عارض می‌گردد، به دست آنان عمدا یا به‌طور اشتباه کارهایی انجام می‌شود، از عفو و گذشت خود آن مقدار به آن‌ها عطا کن که دوست داری

خداوند از چشم پوشی و عفو به تو عنایت کند (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۶۹) چرا که لازمه گذشت و بخشش الهی بخشش و گذشت از مردم است.

۴-۱-۱-۳. جود و بخشش

از اصول دیگر در مدیریت و حکومت اصل جود و بخشش به مردم بوده که حضرت، مالک را به بخشش و کرم بدون منت سفارش نموده «وَأَعْطِ مَا أُعْطِيتَ هَنِيئاً»؛ آنچه می‌بخشی به گونه‌ای ببخش که گوارا باشد (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷) و همچنین ایشان را به احسان و نیکی «وَأِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ»؛ از منت بر رعیت به هنگام احسان بهره‌یز (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۹۳) و برداشتن فشار از روی رعایا تشویق می‌نماید.

۴-۱-۱-۴. ارتباط با مردم

از دیگر توصیه‌هایی که حضرت در باب برخورد تعاملی با مردم به مالک نموده‌اند بحث ارتباط مستقیم با مردم به شکل دیدار عام می‌باشد که حضرت شرایطی را برای این دیدار بیان می‌فرماید: «وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْماً تُفْرَغُ لَهُمْ فِيهِ شَحْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِساً عَامَماً»؛ برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز آن‌ها شخصا رسیدگی کنی! مجلس عمومی و همگانی برای آن‌ها تشکیل ده و درهای آن را به روی هیچ کس نبند (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷)

فراهم آوردن فضای آرامش و راحتی برای آن‌ها و تشکیل مجلسی که نیروی نظامی در آن قدرت‌نمایی نکند. «وَتُفْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَاعْوَانَكَ مِنْ أَخْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَنَعِّعٍ»؛ و لشکریان و محافظان و پاسبانان را از این مجلس دور ساز! تا هرکس با صراحت و بدون ترس و لکنت، سخنان خود را با تو بگوید (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷).

وجود آزادی بیان و پس از بیان، تا مردم بدون هیچ گونه ترس و واهمه‌ای انتقادات و اعتراضات خود را به گوش حاکم برسانند، لزوم تحمل هر شکل بیان نظرات و انتقادات از طرف مردم، لزوم تواضع و فروتنی و عدم کبر و غرور در برابر مردم، با پذیرش نظرات، انتقادات و اعتراضات مردم به حقوق شهروندی آنها احترام نهاده و زمینه را برای اجرای عدالت اجتماعی آماده نماید. «ثُمَّ احْتَمِلِ الْحُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ وَنَحَّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَالْأَنْفَ»؛ سپس خشونت و کندی آن‌ها را در سخن تحمل کن، در مورد آن‌ها هیچ گونه محدودیت و استکبار روا مدار (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۷)

گاه سوءظنی در مورد اعمال حاکم و حکومت برای مردم به وجود می‌آید که بر حاکم واجب است با صبر و حوصله به دور از هرگونه تندى با دلایل روشن به شفاف سازی و

روشنگری آن سوءظن پردازد «وَ إِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ وَ اغْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ»؛ و هرگاه رعایا نسبت به تو گمان بد ببرند، افشاگری کن! و عذر خویش را در مورد آنچه مورد بدبینی شده آشکارا با آنان در میان گذار (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۹) تا رعایا به آرامش فکری برسند.

۴-۱-۲. برخورد تنبیهی

از دیگر نحوه‌های برخورد حکومتی حاکم جهت پیشبرد اهداف درازمدت و کنترل و ایجاد نظم در جامعه توسط حاکم، برخورد تنبیهی بوده که این مجازات خود بر دو قسم می‌باشد. از دیگر نمونه این برخوردها، برخورد با خواص و نزدیکان حکومتی می‌باشد که حضرت در مورد این‌گونه افراد به مالک هشدار می‌دهد تنبیه آنان با قطع نمودن دستشان بر اراضی بیت‌المال و مسلمین می‌باشد. «فَأَحْسِم مَادَّةَ أَوْلِيكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ وَ لَا تُفْطَعَنَّ لِأَخَدٍ مِنْ حَاشِيَتِكَ وَ حَاقَتِكَ قَطِيعَةً»؛ ریشه‌ی ستم آنان را با قطع وسایل از بیخ برکن! و به هیچ‌یک از اطرافیان و بستگان خود زمینی از اراضی مسلمانان و امگزار (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۹).

عدم جلوگیری از زیاده‌خواهی و تمامیت‌خواهی این افراد چیزی جز ننگ دنیا و آخرت را به دنبال ندارد. در این‌گونه مجازات حاکم اسلامی به‌صورت قانونی بعد از اثبات جرم به مجازات شخص خاطی می‌پردازد. از جمله این موارد که به‌صورت شاکی خصوصی و گاه به‌صورت عمومی مطرح می‌باشد مساله قتل عمد است که کیفر آن مطابق حکم قرآن، «وَ لَا عُذْرَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَا عِنْدِي فِي قَتْلِ الْعَمْدِ لِأَنَّ فِيهِ قَوَدَ الْبَدَنِ»؛ و هیچ‌گونه عذری نزد خدا و نزد من در قتل عمد پذیرفته نیست، چرا که کیفر آن قصاص است (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۹۳) قصاص می‌باشد و در صورت عدم رضایت شاکی لازم الاجرا می‌باشد. از مواردی که حاکم خود به مجازات خاطیان می‌پردازد می‌توان به کارگزارخائن و محترک اقتصادی اشاره کرد.

۴-۱-۲-۱. کارگزار خائن

خیانت‌کارگزار به این صورت که بازرسان به‌طور اجماع بر خیانت‌کارگزار شهادت بدهند کارگزار مجرم شناخته شده «فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ أَكْفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلَةِ وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ»؛ اگر یکی از آن‌ها دست به خیانت زد و مأموران سرّی تو متفقاً چنین گزارشی را دادند، به همین مقدار از شهادت قناعت کن، و او را زیر تازیانه‌ی کیفر بگیر! و به مقدار خیانتی که انجام داده او را کیفر نما! سپس وی را در مقام خواری و مذلت بنشان! و نشانه‌ی

خیانت را بر او بنه! و گردنبد ننگ و تهمت را به گردنش بیفکن (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۱) و کیفر متناسب با جرمش را می‌بیند و خیانت وی برای عموم مطرح شده تا از لحاظ جسمی و روحی مجازات شود و مایه عبرت دیگران گردد تا دیگر کسی این‌گونه در پست‌های حساس به خیانت دست نزند.

۴-۱-۲-۲. محتکر اقتصادی

بعد از اعلان عمومی نهی از احتکار، محتکر با احتکار مواد مورد نیاز مردم فشارهای اقتصادی و اجتماعی و... را بر جامعه و حکومت وارد آورده که این‌گونه افراد نیز متناسب با جرمشان مجازات می‌گردند و نه بیشتر. «فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكِلْ بِهِ وَ عَاقِبُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ»؛ و هرگاه کسی پس از نهی تو دست به احتکار زد او را کیفر کن! و در مجازات او بکوش ولی این مجازات نباید بیش از حد باشد (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸۵).

۴-۱-۳. برخورد تربیتی

از دیگر شاخصه‌های برخورد حکومتی، مسأله برخورد تربیتی حاکم می‌باشد که حضرت در این عهدنامه بدان اشاره نموده است.

۴-۱-۳-۱. اصلاح و پوشاندن عیوب

از موارد برخورد تربیتی حاکم می‌توان به موضوع لزوم پوشش عیوب مردم توسط شخص والی اشاره کرد که حضرت با تاکید بر اصلاح زیر ساخت‌های اجتماعی از جمله اصلاح عیوب مردم و مبارزه با مفسدات ظاهری توسط والی و بر حذر داشتن از هرگونه تفحص و تجسس در باره عیوب پنهانی مردم اشاره کرده « فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرِهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ»؛ زیرا مردم عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب از همه سزاوارتر است درصدد مباحث که عیب پنهانی آنها را به دست آوری بلکه وظیفه تو آن است که آنچه برای ظاهر گشته اصلاح کنی و آنچه از تو مخفی است خدا درباره‌ی آن حکم می‌کند. بنابراین تا آنجا که توانایی داری عیوب مردم را پنهان ساز تا خداوند عیوبی را که دوست داری برای مردم فاش نشود مستور دارد. (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۵۰).

همه افراد بشر به جز پیامبران و معصومین دارای عیب و نقص می‌باشند که اولاد داوری آن در محدوده حکومت خداوند است ثانیاً آشکار شدن این عیوب موجب مشکلات و معضلات

اجتماعی در سطح جامعه می‌گردد و ثالثاً در خفا و پنهانی اصلاح و پوشش عیوب مردم اجر و پاداش دنیوی که همانا پوشش عیوب حاکم از مردم می‌شود را در پی دارد.

۴-۱-۳. پرهیز از احتجاب و دوری‌گزینی

در بحث بعدی مالک را به ارتباط نزدیک با مردم بدور از هرگونه احتجاب و دوری‌گزینی دعوت نموده «فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوُلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضَّبِيحِ وَ قَلَّةٌ عِلْمٌ بِالْأُمُورِ وَ الْإِحْتِجَابُ مِنْهُمْ يَفْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا احْتَجَبُوا دُونَهُ فَيَضَعُرُّ عِنْدَهُمُ الْكِبِيرُ وَ يَعْظُمُ الصَّغِيرُ وَ يَقْبُحُ الْحَسَنُ وَ يَحْسُنُ الْقَبِيحُ وَ يُشَابُّ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ»؛ چرا که دور بودن زمامداران از چشم رعایا خود موجب نوعی محدودیت و بی‌اطلاعی نسبت به امور مملکت است و این چهره پنهان داشتن زمامداران آگاهی آن‌ها را از مسائل نهانی قطع می‌کند (آشتیانی و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۹۵)؛ چرا که اصلاحات اجتماعی و زیرساختی با ارتباط نزدیک حاکم با مردم انجام شده که این خود موجبات هرگونه سوءاستفاده‌ای را قطع می‌نماید.

۴-۱-۴. برخورد سنجشی

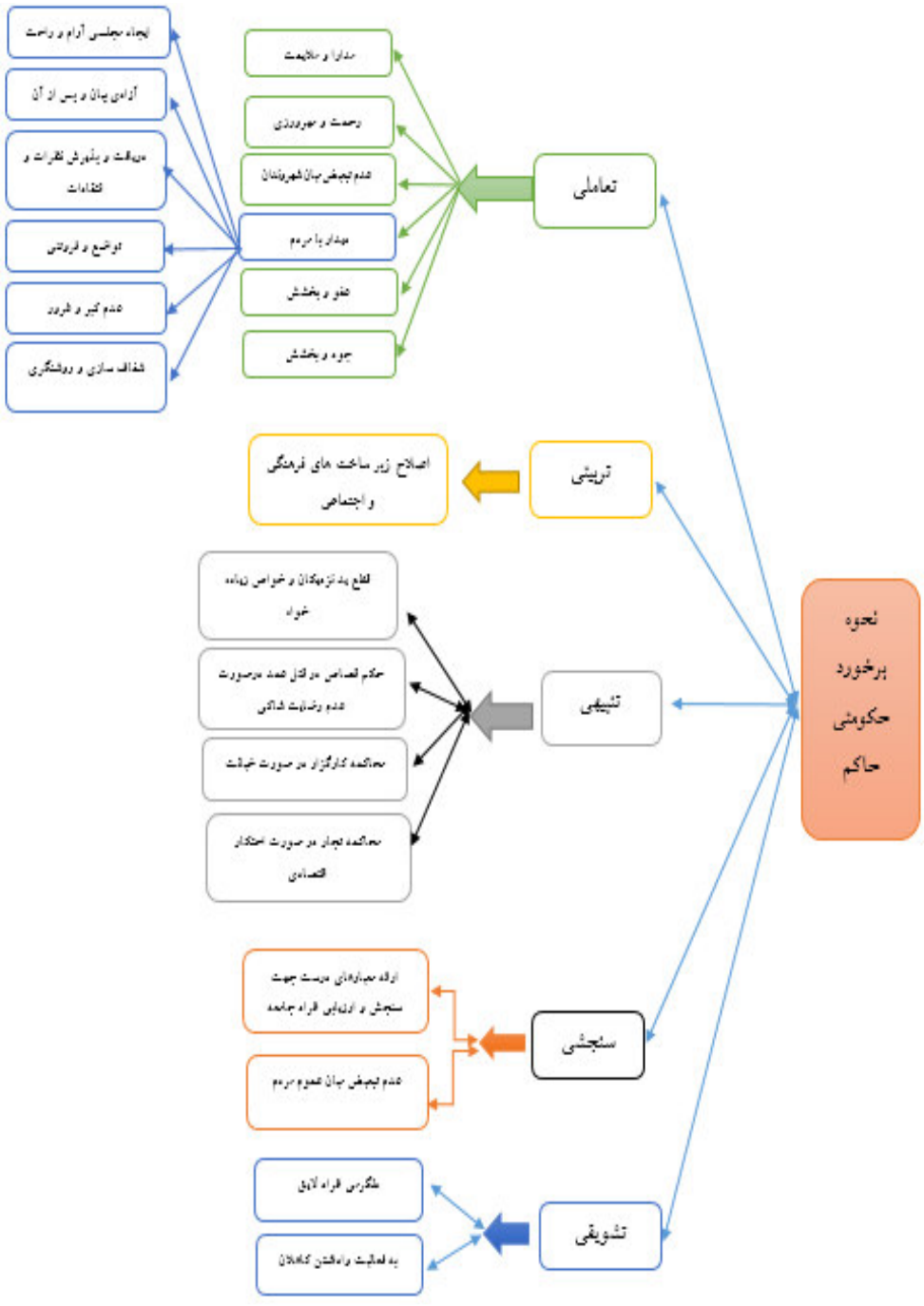
از دیگر اصول مهم در مدیریت حکومت اصل سنجش و ارزیابی افراد براساس موازین و معیارهای درست و صحیح می‌باشد و در این عهدنامه به اهمیت این موضوع اشاره شده و مالک را به تمایز میان نیکوکاران و بدکاران تشویق می‌نماید «وَ لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمِثْلَةٍ سَوَاءٍ»؛ هرگز نباید افراد نیکوکار و بدکار در نظرت مساوی باشند (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۸۸) که همانا عدم تبعیض میان این دو گروه عواقب منفی را در جامعه به دنبال دارد. حضرت معیار و شاخصه اعتماد حکام به رعایا را حسن ظن داشتن به افرادی که نسبت به آنها احسان شده و سوءظن داشتن نسبت به افرادی که توسط حاکم عقوبت شده‌اند معرفی می‌نماید. در ادامه با درنظر داشتن معیارهای درست به ارزیابی خدمات افراد پرداخته «ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا أَوْلَىٰ وَ لَا تَضْمَنْ بَلَاءَ امْرِئٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ لَا تُقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَاءِهِ وَ لَا يَدْعُونَكَ شَرَفِ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفَ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا»؛ سپس باید زحمات هرکدام از آن‌ها را به دقت بدانی، و هرگز زحمت و تلاش کسی از آنان را به دیگری نسبت ندهی و ارزش خدمت او را کمتر از آنچه هست به حساب نیاوری و از سوی دیگر شرافت و آبروی کسی موجب این نشود که کار کوچکش را بزرگ بشماری و همچنین حقارت و کوچکی کسی موجب نگردد که خدمت پرارجش را کوچک به حساب آوری (آشتیانی

و امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۷۹) و ارج گذاری بر این خدمات را کیفیت و چگونگی انجام آن معرفی نموده نه شخصیت انجام دهنده آن .

۴-۱-۵. برخورد تشویقی

در پایان مالک را در امر حکومت‌داری و مردم‌داری این‌گونه راهنمایی می‌نماید که باید سرلوحه برنامه کاری را تشویق و ستودن افراد در جهت پیشرفت و پیشبرد اهداف حکومتی باشد «وَأَصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيدِ مَا أُبْلَى ذُووُ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ حُسْنٌ أَعْمَالِهِمْ تَهْتَرُ الشُّجَاعُ وَ تُخْرَضُ النَّكِلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ و پی در پی آن‌ها را تشویق کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار زیرا یادآوری کارهای نیک آن‌ها شجاعان‌شان را به حرکت بیشتر وادار می‌کند و آنان را که در کار کندی می‌ورزند به کار تشویق می‌نماید (آشتیانی - امامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۵۰)، که این خود موجب دلگرمی افراد لایق و به فعالیت واداشتن هرچه بیشتر کاهلان می‌گردد.

نمودار ۴: مدل استخراج شده نحوه برخورد حکومتی حاکم در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر



نتیجه گیری

از مهم‌ترین اهداف این تحقیق استفاده از روش تحلیل محتوا در رابطه با متون مقدس؛ همچون سخنان معصومین (ع) جهت دستیابی به مراد کلام ایشان با در نظر داشتن مؤلفه‌هایی چون مکان، زمان، مخاطب و بافت فرهنگی جامعه که با تعمق و تفکر در آن متن، می‌توان از معنای کلام به فحوای کلام دست‌یافت، لکن دیگر نتایج این تحقیق را که در حقیقت پاسخ به سؤال‌های مطرح‌شده در ابتدای تحقیق نیز می‌باشد، می‌توان موارد ذیل دانست:

۱) از جمله نکات قابل‌توجه و مهم در تحلیل محتوای نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر، کثرت فراوانی کلمات حضرت در این نامه نسبت به دیگر نامه‌های ایشان می‌باشد. این مطلب نشان‌دهنده اهمیت موضوع حکومت‌داری و شیوه‌های درست اجرای آن بوده که حضرت زمان زیادی را صرف نگارش آن نموده است. در واقع با نگارش این نامه منشور جامع حکومتی را نه تنها برای آن زمان خاص بلکه برای تمام زمان‌ها نگاشته است.

۲) براساس جدول شمارش کلمات نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌توان این‌گونه استنباط نمود که آنچه برای حضرت مهم بوده در مرحله اول، جامعه اسلامی و اقشار تشکیل‌دهنده‌ی آن که زیر بنا و پایه و اساس حکومت هستند. در ادامه به بیان جایگاه و مرتبه آنها در حکومت پرداخته و بر حاکم اسلامی رسیدگی به امور و تفقد از احوال آنها را لازم می‌داند و سپس با تأکید بر مسأله حکومت و اوامر حکومتی و تبیین وظایف حاکم اسلامی است. حضرت در این نامه با صدور اوامر و دستورات حکومتی سعی در تشکیل حکومت دینی و اسلامی در بلاد مصر دارند چرا که در دولت‌های گذشته به این شکل اداره نمی‌شده و به شکل مستعمره‌ای برای حاکم جور بود که آن را به نام اسلام استعمار نموده بودند.

۳) در رابطه با مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده و نقطه تمرکز در عهدنامه می‌توان به شرح وظایف حکومتی اشاره کرد. در همین راستا حضرت بهترین راه‌کاری که برای اجرایی شدن این اوامر و هدایت مالک لازم دانسته؛ در قالب نصایح اخلاقی، سیاسی، اعتقادی و عبادی اعم از جنبه‌های فردی و اجتماعی به راهنمایی و ارشاد ایشان در امر حکومت‌داری می‌پردازند.

۴) نکته حائز اهمیت دیگر در رابطه با موضوعات مطرح‌شده، مسأله نوع برخورد حکومتی حاکم با مردم می‌باشد که با محوریت مسأله برخورد تعاملی با مردم آن را بیان نموده است.

۵) در تحلیل نامه حضرت، از موضوع نوع برخورد حکومتی حاکم این‌گونه می‌توان برداشت نمود، که حضرت بیشتر مالک را به مدارایی و ملایمت همراه با رأفت اسلامی با مردم دعوت نموده؛ چراکه لازمه روابط و مناسبات درست حاکم با مردم و همچنین حکومت بر دل‌های مردم لطف و مهرورزی به آن‌هاست که حضرت رحمت الهی و اجر اطاعت از خدا را

به حاکمانی که با مردم مدارا می‌کنند بشارت می‌دهد و همچنین از دیگر برخوردهای تعاملی حاکم با مردم، استفاده از اصل عفو و بخشش و جود و کرم نسبت به مردم می‌باشد که حضرت بدان تأکید می‌ورزند. در انتها حضرت به موضوع ارتباط مستقیم حاکم با مردم پرداخته و ایشان را به فراهم آوردن شرایطی چون فضای آرامش و راحت بدور از هرگونه قدرت‌نمایی نظامیان، آزادی بیان، تحمل هر شکل بیان نظرات و انتقادات را توصیه می‌نماید.

۶) از دیگر نحوه‌های برخورد حکومتی برخورد تنبیهی می‌باشد که اجرای آن موجب پیشبرد اهداف درازمدت و کنترل و ایجاد نظم در جامعه می‌گردد. از جمله این برخوردها می‌توان به برخورد با خواص زیاده خواه با قطع دستشان بر اراضی بیت‌المال اشاره نمود و همچنین به مسأله قتل عمد و غیر عمد اشاره نموده و مجازات قتل عمد را قصاص و غیر عمد را پرداخت دیه و جلب رضایت اولیای دم بیان می‌نماید. از دیگر مواردی که حاکم به مجازات خاطیان می‌پردازد: ۱) کارگزار خائن: در صورتی که بازرسان حکومتی بر خیانت کارگزار اجماع نمایند و به حاکم گزارش دهند حاکم به این مقدار از شهادت اکتفا نموده و به مجازات کارگزار خاطی می‌پردازد. ۲) محترک اقتصادی: بعد از اعلان نهی عمومی احتکار، محترک متناسب با جرمش مجازات می‌گردد چرا که محترک با احتکار مواد مورد نیاز مردم، فشارهای اقتصادی و اجتماعی را بر پیکر جامعه و حکومت وارد می‌آورد.

۷) از دیگر شاخصه‌های برخورد حکومتی حاکم، برخورد تربیتی با محوریت اصلاح زیرساخت‌های اجتماعی از جمله اصلاح عیوب مردم و مبارزه با مفاسد ظاهری و نفی تفحص درباره عیوب پنهانی مردم می‌باشد؛ چراکه همه افراد بشر بجز پیامبران و معصومین دارای عیب و نقص می‌باشند و با اشاره به اینکه اولاً: داور عیوب مردم در محدوده حکومت خداوند است. ثانیاً: به محض آشکار شدن این عیوب مشکلات و معضلات اجتماعی در سطح جامعه منتشر می‌گردد. ثالثاً: اصلاح عیوب در خفا و پنهانی اجر و پاداش دنیوی که همانا پوشش عیوب حاکم از مردم می‌باشد را در پی دارد.

۸) از دیگر اصول مهم در مدیریت اصل سنجش و ارزیابی براساس موازین درست و صحیح می‌باشد و در این عهدنامه نیز بدان اشاره شده است و ارزیابی، را کیفیت و چگونگی انجام فعل معرفی نموده نه شخصیت انجام دهنده آن؛ چرا که تبعیض و عدم رعایت اصول و قوانین سنجشی، عواقب منفی را برای جامعه و حکومت به وجود می‌آورد.

۹) در انتها ستودن و تشویق افراد را به‌عنوان سرلوحه برنامه کاری حاکم جهت پیشرفت و پیشبرد اهداف حکومتی به مالک توصیه می‌نماید زیرا این‌گونه تشویق و ستودن‌ها موجب دلگرمی افراد لایق و به فعالیت واداشتن هرچه بیشتر کاهلان می‌گردد.

کتاب نامه:

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۸۷ق)، تحقیق: صبحی صالح، بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
- آشتیانی، محمدرضا و امامی (۱۳۸۰ش)، محمد جعفر، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، قم: انتشارات مطبوعاتی هدف.
- ابن حمدون، بهاءالدین محمد (۱۴۰۱ق)، التذکره الحمدونیة فی السیاسة و الأداب المالکیة، تحقیق احسان عباس، بیروت: معهد الإنماء العربی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۳۹۴ق)، تحفه العقول عن آل الرسول (ع)، قم: مکتبه بصیرتی.
- ابن عساکر، علی بن الحسن (۴۱۹ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۴۰۸ق)، البدایه و النهایه، تحقیق: علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- اولادقباد، بهاره (۱۳۹۶ش)، «تحلیل محتوای نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء (س).
- باردن، لورنس (۱۳۷۵ش)، تحلیل محتوا، ترجمه‌ی ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پرهیزگار، علی (۱۳۸۲ش)، تئوری‌های مدیریت، تهران: انتشارات آگاه.
- تمیمی، نعمان بن محمد (۱۳۸۹ق)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره: دارالمعارف.
- جانی پور، محمد (۱۳۹۰ش)، اخلاق در جنگ (تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین علی (ع) و معاویه)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جانی پور، محمد (۱۳۹۳ش)، «تبیین ساختار حاکم بر مکاتبات امام هادی (ع)»، پژوهش نامه حکمت اهل بیت، سال اول، شماره دوم.
- جعفری، سید محمد مهدی (۱۳۸۱ش)، پرتوی از نهج البلاغه، تهران: انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری، سید محمد مهدی (۱۳۸۶ش)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر دینوری مالکی، ابوبکر احمد بن مروان (۴۱۹ق)، المجالسه و جواهرالعلم، خرّج احادیثه و آثاره و وثق نصوصه و علّق علیه ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، بیروت: دارابن حزم.
- رضاییان، علی (۱۳۷۹ش)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت.

عامری نیشابوری، محمدبن یوسف (۱۳۶۶ش)، السعادة و الاسعاد فی السیرة الانسانیة، با انضمام مقدمه و فهرس به کتابت و مباشرت مجتبی مینوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
عزتی، مرتضی (۱۳۷۶ش)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

قلقشندی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق)، صبح الأعشی فی صناعة الانشاء، شرحه و علق علیه و قابل نصوصه محمدحسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
قضاعی، محمدبن سلامه (۱۳۳۲ق)، دُ ستور معالم الحکم و مآثور مکارم / شیم من کلام امیر المومنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه، مصر: مطبعة السعادة.
متقی هندی، علاءالدین بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی احادیث الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسه الرسالة.

محمودی، محمداقرا (۱۳۸۵ش)، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، قم: مؤسسه الطباعة و النشر و وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.

نویری، شهاب الدین احمد (۱۴۰۵ق)، نهایی الأرب فی فنون الأدب، قاهره: دارالکتب المصریه.
هولستی، آل آر (۱۳۷۳ش)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالار زاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.